

## نقش آفرینی شبکه‌ای مناطق آزاد در آمایش سرزمین ایران در

### پرتو سیاست نگاه به شرق و همسایگی

دکتر مرتضی فورچی<sup>۱</sup>، دکتر عابد گل کرمی<sup>۲</sup>، سید روح الله حسینی<sup>۳</sup>، روپاک ملاکه<sup>۴</sup>

#### چکیده

مطالعات و اقداماتی که در زمینه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تاکنون صورت گرفته اغلب آنها درون‌نگرانه بوده‌اند که از منظر اقتصاد سیاسی در چارچوب رویکرد فوردیستی قابل تحلیل هستند. به عبارتی فاقد رویکرد برون‌نگرانه هستند و توجهی به دیدگاه‌های پسا فوردیستی و اقتصاد شبکه‌ای در این طرح‌ها نشده است. دیدگاه پسا فوردیستی یا اقتصاد شبکه‌ای به دنبال برنامه‌ریزی هم‌افزای تکه‌های تولید در جریان شبکه‌های اقتصادی با توجه به کدهای ژئوپلیتیکدر کشورها است. این موضوع در ایران در اسناد آمایشی و فضایی در قالب پهنه‌هایی از مناطق جغرافیایی با عنوان مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی طرح و در نظر گرفته می‌شود که مناطق محلی را در پیوند با اقتصاد جهان شبکه‌ای قرار می‌دهد و منجر به توسعه مناطق جغرافیایی می‌شود. این مقاله با هدف الگو قرار دادن اقتصاد پسا فوردیستی برای آمایش سرزمین اقدام به معرفی ایده جدیدی برای مکان‌گزینی مناطق آزاد در طرح‌های آمایش سرزمین می‌کند. لذا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ضمن توجه به نگاه پسا فوردیستی به دنبال تبیین اینست که مناطق آزاد چگونه در اقتصاد شبکه‌ای در پرتو گفتمان سیاست خارجی نگاه به شرق با لحاظ کدهای ژئوپلیتیک، در

۱. استادیار، جغرافیای سیاسی، جغرافیای انسانی و آمایش، علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) ایمیل: mghourchi@gmail.com

۲. استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. ایمیل: golkarimiabed@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل:

rohallah.hossieni@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل:

roopakmalakah@gmail.com

آمایش سرزمین کشور نقش آفرینی می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با پیوند مناطق آزاد در بستر اقتصاد شبکه‌ای جهان می‌توان به تعادل فضایی در گستره سرزمینی کشور که از اهداف غایی سیاست‌های آمایش سرزمین است، نائل آمد و این مهم مستلزم کاهش امر سیاسی و گشودگی دیپلماسی است که می‌تواند بر اساس تعریف کد ژئوپلیتیک با شرایط جدید سیاست خارجی در نگاه به شرق و همسایگان تحقق یابد.

واژگان کلیدی: آمایش سرزمین، پساфорديسم، سیاست نگاه به شرق، اقتصاد شبکه‌ای، مناطق آزاد

## **The Network Role of Free Zones in the Preparation of Iran's land in the Light of the Policy of Looking towards the East and the Neighborhood**

**Morteza Ghourchi<sup>1</sup> Seyed Rohallah Hosseini<sup>2</sup> Ropak malake<sup>3</sup> Abed golkarami<sup>4</sup>**

### **Abstract**

Most of the studies and measures that have been carried out in the field of land use planning have been introspective, which can be analyzed from the perspective of political economy in the framework of the Fordist approach. In other words, there is no lack of extroverted approach and attention to post-Fordist views and network economy in these plans. The post-Fordist view or network economy seeks the synergistic planning of production pieces in the flow of economic networks according to geopolitical codes in countries. In Iran, this issue is planned and considered in spatial and spatial documents in the form of areas of geographical areas called free commercial-industrial and special economic zones, which places local areas in a network with the world economy and leads to the development of geographical areas. This article, with the aim of setting a model of post-Fordist economy for land development, introduces a new idea for the location of free zones in the form of post-Fordist economy in land development plans. Therefore, this research with a descriptive-analytical method, while paying attention to the post-Fordist point of view, seeks to explain how the free zones play a role in the preparation of the country's territory in the light of the foreign policy discourse of looking to the east in terms of geopolitical codes in the network economy. The results of the research show that by connecting the free zones in the framework of the world's network economy, it is possible to achieve a spatial balance in the country's territory, which is one of the ultimate goals of land development policies, and this requires the reduction of political issues and the openness of diplomacy, which can be based on the definition. The geopolitical code should be realized with the new conditions of foreign policy in looking at the East and the neighbors.

**Keywords:** land preparation, post-Fordism, looking east policy, network economy, free zones

---

1. Assistant Professor, Political Geography, Human Geography and Planning, Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Responsible author) Email: mghourchi@gmail.com

2. PhD Student in Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: rohallah.hossieni@gmail.com

3. Master's Student in Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: roopakmalakah@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Geography, Lorestan University, Lorestan, Iran. Email: golkaramiabed@yahoo.com

## مقدمه

آمایش سرزمین در جهان امروزه به صورت اتصال مکان‌های محلی به فضاهای جهانی در چارچوب جهانی شدن<sup>۱</sup> درآمده است. مانوئل کاستلز<sup>۲</sup> معتقد است که جهانی شدن، مجموعه‌ای از جریان‌های اقتصادی است که با تکه پاره‌های تولید، جهان شبکه‌ای را شکل داده است. در قرن بیست و یکم، وضعیت آمایش سرزمین در چارچوب اقتصاد پساوردیستی به سمت و سویی می‌رود که فضاهای محلی<sup>۳</sup> به فضاهای جهانی<sup>۴</sup> متصل شود که این خود نتیجه مقوله جهانی-محلی<sup>۵</sup> شدن است. این اصطلاح ترکیبی از جهانی شدن و محلی شدن<sup>۶</sup> است. برای رسیدن به این فرایند - اقتصاد شبکه‌ای - کشورها نیازمند اتخاذ یک دیپلماسی رسمی گشوده با اقتصاد جهانی دارند. در حقیقت در این مرحله نیاز است که کدهای ژئوپلیتیک یک گفتمان سیاسی که ریشه در امر سیاسی<sup>۷</sup> دارد بتواند شرایطی را فراهم کند که فضاهای محلی را به اقتصاد جهانی معاصر پیوند زند؛ از این رو، در این پژوهش «سیاست نگاه به شرق»<sup>۸</sup> و همچنین «سیاست همسایگی»<sup>۹</sup> که اخیراً به عنوان گفتمان رسمی دولت اعلام شده مورد تحلیل قرار گرفته است، زیرا برای اتصال و توسعه مناطق آزاد با فضاهای فراملی و نقش‌آفرینی در آمایش سرزمین لازم است، گفتمان سیاست خارجی دولت که در حال حاضر نگاه به شرق و سیاست همسایگی است، تبیین شود. آمایش سرزمین در چارچوب نگاه به شرق را می‌توان فضاهای محلی قطب رشد کشورهای شرقی مانند چین و روسیه که در حوزه سیاست‌های خارجی، با ایران ارتباطات دیپلماتیک نزدیک دارند، دانست. به عنوان مثال مناطق آزاد<sup>۱۰</sup>، مناطق ویژه اقتصادی و بنادر خشک<sup>۱۱</sup> در ایران را به مناطق شرق به‌ویژه به مناطق آزاد گوانژو، شانگهای، سنژن، هاینان و ... و در هند به بنگلور، حیدرآباد، مناطق آزاد متعدد و فعالی در جنوب شرق آسیا و روسیه پیوند زد. به این شکل توسعه مناطق درونی را در چارچوب سیاست‌های

- 
1. Globalization
  2. Manuel Castells
  3. Spaces Local
  4. Space Global
  5. Glocalization
  6. Localization
  7. The Political
  8. Look to the East Policy
  9. Neighborhood Policy
  10. Free zone
  11. Special Economic Zones and Dry Ports

آمایش سرزمین و پیوندهای فراملی شکل داد. لذا این پژوهش با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی با ارجاع به کتاب‌ها و مقالات متعدد صاحب نظران به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که نقش آفرینی شبکه‌ای مناطق آزاد ایران در آمایش سرزمین و در پرتو سیاست نگاه به شرق و همسایگی چگونه می‌باشد؟

### آمایش سرزمین

مطالعات آمایش از برنامه‌ریزی‌های فضایی است که برای کاهش عدم تعادل در ابعاد مختلف در سطوح ملی و منطقه‌ای، وضع موجود را به سمت مطلوب هدایت می‌کند (حاتمی نژاد، ۹۸؛ رهنما و آقاجانی، ۱۳۹۲: ۱۲). اندیشه آمایش سرزمین در کشور فرانسه با مشاهده عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات، همزمان با پیدایش تفکر برنامه‌ریزی شهری به منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرد (حاتمی نژاد، ۹۸، پوراحمد، ۱۳۸۰: ۴۸۰). مفهوم آمایش سرزمین ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان مقوله مدیریت مطرح است و در ارتباط با فضا بحث اقلیم مطرح است و در رابطه با فعالیت مقوله برنامه‌ریزی برجسته می‌شود؛ یعنی مفهوم آمایش تلفیقی از علومی مانند مدیریت و اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی و محیط زیست است (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۶). هدف کلی آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی سازماندهی فضایی ملی در عین بهره‌برداری خردمندانانه از سرزمین در راستای چشم‌انداز بلندمدت توسعه در ابعاد گوناگون آن می‌باشد. در آغاز هزاره سوم، تحقق رشد اقتصادی، توجه به معضلات زیست‌محیطی و معادلات جدید ناشی از پدیده جهانی شدن، نیاز به برنامه‌ریزی فضایی را بیش از پیش محرز ساخته است (مفیدی، ۱۳۸۹: ۸۴) در واقع هدف از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازها است که عمدتاً با دیدی دراز مدت و به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه بر اساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به طور هماهنگ با دیگر مناطق است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۶). بر اساس این نقش و مسئولیت که محصول روندهای طبیعی و قانونمند هر منطقه به شمار می‌رود و همچنین برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، برنامه توسعه ملی می‌تواند در مناطق گوناگون اجرا شود (خنیفر

۸۹، آدن و مورگان، ۲۰۰۱، ۵) برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف جهان از نظر شکل و محتوا یکسان نمی‌باشد. این نوع برنامه‌ریزی در جوامع گوناگون، به دلایل مختلف از جمله تجربه تاریخی متفاوت، ساختار حکومت، میزان توسعه‌یافتگی، دیدگاه‌های سیاسی و تفاوت‌های جغرافیایی شکل‌های مختلفی به خود گرفته است (عن‌دلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۸) هر چند این نوع برنامه‌ریزی در سطح حوزه نفوذ یک شهر یا روستا، شهرستان یا استان عمل می‌کند، اما فضای مدنظر آمایش سرزمین جغرافیای سرزمین ملی است، زیرا تعادل‌بخشی به عنوان هدف غایی آمایش در این مقیاس معنا پیدا می‌کند. در این راستا، می‌توان گفت در آمایش سرزمین، هدف تعادل‌بخشی درون کشور با توجه موقعیت ژئوپلیتیک و کدهای آن می‌باشد (قادری حاجت و گل‌کرمی، ۱۳۹۹: ۶۷).

### کدهای ژئوپلیتیک

مفهوم کدهای ژئوپلیتیک اولین بار در سال ۱۹۸۲ توسط گادیس<sup>۱</sup> طی تحلیلی که درباره سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم ارائه داده بود، مطرح گردید. او گفت: «معتقدم برای نظام اجرایی کدهای معین استراتژیک یا ژئوپلیتیکی وجود دارد. فرضیاتی برای منافع آمریکا و تهدیدات بالقوه علیه آنها است. البته وقایع ضمنی که از قبل قابل پیش‌بینی نبوده و وقوع آنها بعید بوده و با تصمیم قبلی نمی‌توان تغییری در آن ایجاد کرد، استثناست» (Gadiss, 1982: 8). اما اولین کسی که به طور رسمی اصطلاح کدهای ژئوپلیتیکی را تعریف کرد جغرافیدان سیاسی انگلیسی پیترو تیلور بود. کد ژئوپلیتیک به عنوان پیش‌فرض‌های استراتژیک عناصر و شکل‌دهنده سیاست خارجی یک کشور نسبت به دیگر کشورها را «برنامه‌های تصویری ذهنی» آن کشور می‌نامند. کد ژئوپلیتیکی در واقع دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور در ورای مرزهای آن است که به ارزیابی مکان‌های جغرافیایی می‌پردازد (Taylor, 1994: 330). به عبارت دیگر، کد ژئوپلیتیک مجموعه‌ای از فرضیه‌های استراتژیک است که یک کشور بر اساس آن به تنظیم سیاست خارجی خود با دیگر کشورها می‌پردازد و شامل تعریفی از منافع و علایق آن کشور، شناسایی تهدیدات خارجی نسبت به آنها و ارائه پاسخی برنامه‌ریزی‌شده برای مقابله با آن تهدیدها و توجیه آن پاسخ است (Pascal, 2004: 4). این فرضیات هم قبل و هم بعد از اینکه دولت مسئولیت را بر عهده می‌گیرد شکل می‌گیرند (Gadiss, 1982: 5)؛ علاوه

1. Gaddis

بر این، کد ژئوپلیتیک بر روی اهمیت عقاید و اعتقادات رهبران و تأثیرات آن بر روی کنش‌های دولت‌ها در هر دوره خاص و مشخص ریاست جمهوری تأکید می‌نماید و به همین دلیل آنها را سرمایه عقلی و فکری و کدهای عملیاتی نامیده‌اند (Gorge, 1969; Kissinder, 1979). گادیس معتقد است کدها قابل تغییر هستند و دوام و استحکام آنها بستگی به فرضیات در مورد منافع کشور و تهدیدات علیه آنها و همچنین تعهدات دولت و درک و مشاهده چگونگی برخورد آنها با منافع ملی دارد. بنابراین، باید توجه داشت که کدهای ژئوپلیتیکی در بستر زمان تغییر میکنند. به خصوص در عصر حاضر که تحولات بسیار سریع اتفاق می‌افتد، الزاماً کشورها باید هر چهار یا پنج سال یک بار کدهای ژئوپلیتیک خود را بازنگری نمایند (عرب، ۱۳۹۲: ۹۲). از نظر پیتر تیلور کدهای ژئوپلیتیک در سه سطح مقیاس جغرافیایی شکل می‌گیرند، سطح اول کدهای محلی: برای همه کشورها تعریف می‌شوند و تمام همسایه‌های نزدیک، هم دوست و هم دشمن، را شامل می‌شود. دوم کدهای منطقه‌ای: منافع خود را فراتر از چهارچوب محدود مرزهای خود تعریف می‌کنند. سومین سطح: به قدرتهای جهانی مربوط می‌شود که کدهای آنها در مقیاس جهانی تعریف می‌شوند و آنها کدهای جهانی می‌گویند (Taylor, 1993: 36). در کد ژئوپلیتیک، یک کشور رفتار خود را نسبت به جهان تعیین می‌کند بدین گونه که پنج محاسبه زیر را در نظر می‌گیرد:

۱. چه کسانی هم‌پیمانان بالقوه و فعلی ما هستند؟
  ۲. چه کسانی دشمن بالقوه و فعلی ما هستند؟
  ۳. چگونه می‌توانیم متحدین خود را حفظ و متحدین بالقوه‌ای را ایجاد کنیم؟
  ۴. چگونه می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدهای نوظهور مقابله کنیم؟
  ۵. چگونه چهار محاسبه بالا را برای جامعه خود و جامعه جهانی توجیه کنیم؟
- (Taylor and Flint, 2000: 62).

بنابراین، کدهای ژئوپلیتیک نقشه ذهنی بازیگران سیاسی هستند. در واقع با آمدن دولت‌های مختلف به عنوان بازیگران سیاسی با گفتمان‌های سیاسی متفاوت کدهای ژئوپلیتیک جدید تعریف می‌شوند. این کدها در گفتمان سیاسی آنها جاری می‌شود. از این رو، کدها تغییر می‌یابند و دولت‌های مختلف و با توجه به درک آنها از شرایط سیاسی-جغرافیایی تغییر می‌کند. با روی کار آمدن دولت‌ها و جریان یافتن گفتمان آنها در سطح دولت - ملت اقدام به تعیین دوست و دشمن خود می‌کنند؛ به بیان ساده‌تر، به نظر

می‌رسد که کدهای ژئوپلیتیک ریشه در «ما» و «دیگری» یا دوست و دشمن دارد و در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی دوست و دشمن مشخص می‌شود. از آنجایی که کشور ایران با حوزه ژئواستراتژیک آتلانتیک با مرکزیت ایالات متحده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال‌هاست که چالش سیاسی دارد، در شرایط کنونی کدهای ژئوپلیتیک ایران بر اساس نگاه به شرق تعریف شده است. بنابراین توسعه اقتصادی و آمایش سرزمین در شکل اتصال مناطق آزاد ایران به اقتصاد شبکه‌ای باید هم‌راستا با کدهای ژئوپلیتیک این دوره؛ یعنی نگاه به شرق و سیاست همسایگی پیگیری شود.

### مناطق آزاد تجاری-صنعتی

مناطق آزاد تجاری از جمله ساحت‌هایی است که در اقتصاد پساوردیسم با کاهش هزینه‌های گمرک و تأکید بر تجارت آزاد، از قطب‌های رشد در نظر گرفته می‌شود. بنادر آزاد شکلی از استثناگرایی سرزمینی است که در جهان جدید شکل گرفته است و در مباحث آمایش به شاخص مهم اتصال جهانی شدن تبدیل شده است. در جهان معاصر، آن‌ها با استفاده از قلمرو خود به عنوان سکوه‌های حمل و نقل، لجستیک و تجارت عمل می‌کنند. بنادر آزاد یک منطقه به طور رسمی، با مقررات سفارشی فعال و معمولاً اجازه سرمایه‌گذاری و مالکیت خارجی را می‌دهد، عمل می‌کنند. مناطق آزاد در طول چند دهه اخیر به عنوان بسترهای حمل و نقل، لجستیک و تجارت با اهمیت فزاینده‌ای در حال گسترش بوده‌اند (Bost, 2011). درک مناطق آزاد به عنوان یک گره ساختاری و عملکردی خاص حمل و نقل بین‌المللی مستلزم شواهد بیشتری در مورد تعاملات بین بنادر خشک (پایانه‌های داخلی)، کریدورهای حمل و نقل و رقابت‌پذیری این مناطق است (اسلک، ۱۳۷۸؛ روزو و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه مناطق آزاد مهم‌ترین دروازه‌های اتصال سرزمینی به سوی اقتصاد جهانی هستند؛ به عنوان مثال، حوزه مدیترانه و شمال اروپا بر تمرکز تعداد زیادی از بنادر آزاد تأکید دارند. این بنادر همچنین بر اساس اینکه آیا عمدتاً دروازه هستند (بیشتر فعالیت‌ها بین‌وجهی و مربوط به مناطق داخلی است) طبقه‌بندی می‌شوند. گسترش مناطق آزاد عمدتاً ناشی از تصمیمات سیاسی مرتبط با راهبردهای توسعه اقتصادی ملی بوده است. در بعضی کشورها گمرک اولین مرجع دولتی است که مناطق آزاد را تنظیم و اداره می‌کند، اما در برخی دیگر مناطق آزاد توسط مقامات دیگری اداره می‌شوند که دخالت کمتری از سوی گمرک انجام می‌شود. مناطق آزاد کارکردهای مختلفی دارند که برخی از

آنها عبارتند از «مناطق آزاد تجاری-صنعتی»، که به طور خاص در داخل کشور تعریف شده‌اند و کالاها را ممکن است وارد، جابجا، پردازش، مونتاژ، تولید یا پیکربندی مجدد و صادرات مجدد نمایند. شرکت‌های مستقر در مناطق آزاد، طیف وسیعی از منافع را به دست می‌آورند، مثل معافیت از عوارض و مالیات، روش‌های اداری ساده و واردات بدون عوارض گمرکی مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات و تجهیزات. آن‌ها به طور کلی در اطراف بنادر اصلی، فرودگاه‌های بین‌المللی و مرزها و مکان‌های ملی با مزیت‌های جغرافیایی برای تجارت قرار دارند. مقررات آسان‌تر، مالیات‌های محدود و کاهش نظارت در مناطق آزاد فرصت‌های قابل توجهی را برای کسب و کارها فراهم می‌کند. این مناطق اکنون نقش مهمی در تجارت جهانی، رشد اقتصادی و تسهیل افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دارند. هدف از مناطق آزاد تحریک صادرات برای ایجاد انگیزه در تولید و رقابت، برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، برای تشویق گسترش فناوری و توسعه اقتصادی است.

### روش پژوهش

مقاله حاضر به لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های تحلیلی-توصیفی و به لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های توسعه‌ای است و داده‌ها و اطلاعات آن کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات، اسناد، آمارنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مربوطه گردآوری شده است. این مقاله به چگونگی نقش مناطق آزاد در بستر اقتصاد شبکه‌ای، در آمایش سرزمین کشور در پرتو گفتمان سیاست خارجی نگاه به شرق با توجه به کدهای ژئوپلیتیک می‌پردازد.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

جغرافیای سیاسی و آمایش سرزمین در قرن بیست و یکم در قرن بیست و یکم جغرافیای سیاسی در ارتباط با آمایش و توسعه اقتصادی به سمت و سویی می‌رود که سطح امر سیاسی یا مقوله دوست / دشمن را کاهش دهد و گشودگی را در دیپلماسی رسمی ایجاد کند. در واقع، امر سیاسی به مفهوم ایجاد «ما» و «دیگری» و دوست و دشمن می‌پردازد. باید توجه کرد که درون امر سیاسی یا کدهای ژئوپلیتیک تمام تلاش برای مشخص ساختن مرز دوست - دشمن است و مرجع ذی صلاح و تعیین کننده

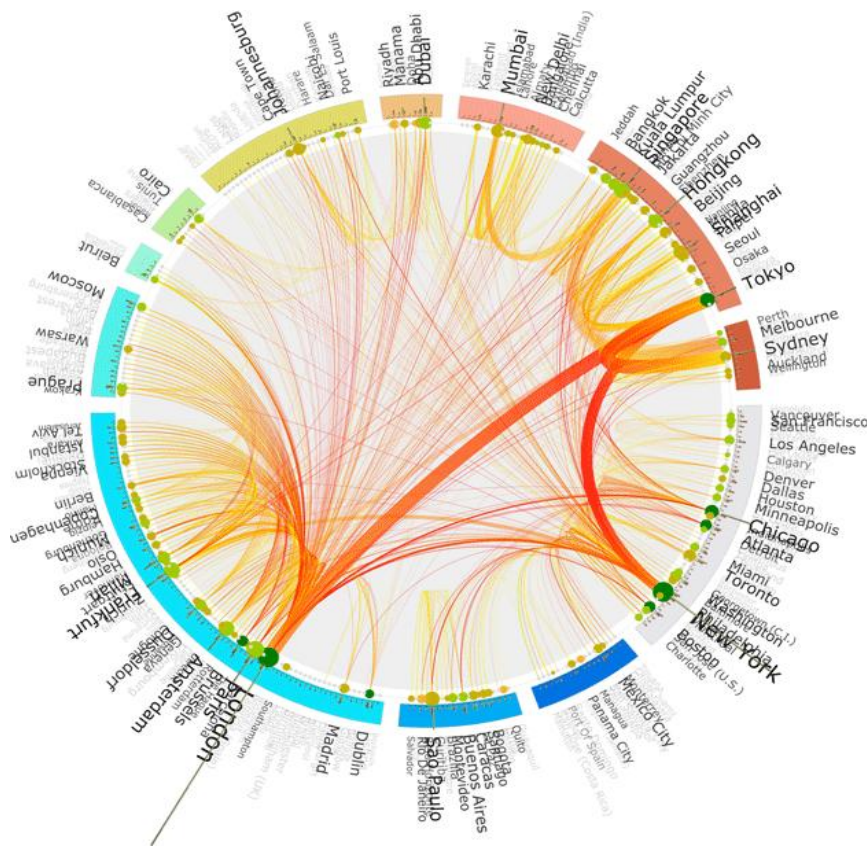
نهایی مصداق دشمن را حاکم می‌داند. در واقع کدهای ژئوپلیتیک یا امر سیاسی شدیدترین و گسترده‌ترین اصل مخالفت و ضدیت می‌باشد؛ از این رو، در گفتمان‌های سیاسی میزان امر سیاسی یا کدهای ژئوپلیتیک ارائه می‌شود که بر روی سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان کشورها از جمله آمایش سرزمین تأثیرگذار است و منجر به گشودگی یا کاهش پیوندهای خارجی در مناطق جغرافیایی مختلف و در نتیجه کاهش و افزایش روابط دولت‌ها می‌شود و از این طریق کشورها با جهانی شدن و اقتصاد شبکه‌ای پیوند می‌خورند یا پیوندهای آن‌ها گسسته می‌شود.

### جهان شبکه‌ای

دانشمندان زیادی درباره جهانی شدن نظریه پردازی کرده‌اند اما در این میان فقط کاستلز به طور مستقیم به جهانی شدن معاصر می‌پردازد. مانوئل کاستلز با تأکید بر عنصر ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی نو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت سالاری، شکوفایی جنبش‌های اجتماعی فرهنگی. به نظر او روند این تحولات منجر به ظهور «جامعه‌ای شبکه‌ای»<sup>۱</sup> شده است. او بر این باور با توجه به اینکه جهانی شدن جلوه‌ای از سرمایه‌داری است، استدلال می‌کند که مدرنیته از عصر صنعتی به عصر اطلاعاتی حرکت کرده است که در آن «شبکه‌ها اجتماعی» جوامع ما را تشکیل می‌دهند. این «منطق فضایی جدید» بر رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات استوار است که جامعه شبکه‌ای را قادر می‌سازد تا جای جامعه صنعتی را بگیرد. این دو نوع جامعه با فضاهای اجتماعی خود متمایز می‌شوند: جامعه صنعتی از طریق «فضاهای مکان‌ها»<sup>۲</sup> ایجاد شده، اما جامعه شبکه‌ای توسط «فضاهای جریان‌ها»<sup>۳</sup> ایجاد می‌شود. کاستلز در توصیف اولیه خود از این جانشینی اشاره می‌کند که فضاهای جریان امروزی جانشین فضاهای مکان‌ها شده‌اند، اما او بعداً تأیید کرد که دو فضای اجتماعی به طور همزمان ساخته می‌شوند. به طوری که تفاوت بین جامعه صنعتی و جامعه شبکه‌ای در این است که کدام یک از آن دو ساختار فضایی غالب هستند. بنابراین جهانی شدن معاصر دوره‌ای است که فضاهای جریان بر بازتولید اجتماعی تسلط

1. Network Society  
2. Space of Places  
3. The space of currents

دارند. کاستلز ایده‌ای از جهانی شدن ارائه می‌دهد که نه فقط به عنوان اشغال فضای جهانی، بلکه یک فضای اجتماعی شبکه‌ای است که بر مناطق جغرافیایی و شهرها می‌چرخد. جهانی شدن بیش از «افزایش مقیاس» یک جامعه مدرن متمایز است که با حرکت آن تعریف شده است. در واقع مکان‌های جغرافیایی و شهرهای محلی در سیاست‌های آمایشی به فضاهای جهانی (همان طور که در تصویر مشخص است) اتصال پیدا می‌کنند.



شکل ۳ مکان‌های جغرافیای (شهرها) و ارتباطات آنها (منبع: GAWC)

از این رو، جهانی به وجود آمده که مهم‌ترین ویژگی آن ایجاد جهان شبکه‌ای بود که با تغییر از دولت‌های رفاه پس از جنگ (همان طور که جان مینارد کینز توصیف می‌کند) چنین ویژگی‌هایی دارند: رژیم‌های سیاسی متمایل رقابت بین‌المللی اقتصادی و نوآوری، با قابلیت اشتغال کامل به جای مشاغل مادام‌العمر و با اشکال انعطاف پذیرتر و بازارپسندتر، گذر از دوران تولید انبوه به دوران تولید انعطاف در تولید، گذر از

کارخانه‌های غول‌پیکر و متمرکز به واحدهای کوچکتر و پراکنده. این شرایط تنها در اواخر قرن بیستم، چنانچه کاستلز توضیح می‌دهد، با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و ساخت سی پی یو و ترانزیستورها فراهم شد که منجر به تحول تولید و تقسیم کار جهانی جدید شد که به آن اقتصاد پساوردیستی می‌گویند؛ از این رو، لازم است برای فهم بیشتر پساوردیسم و مرحله قبل از آن؛ یعنی مرحله فوردی-کینزی تشریح شود.

### اقتصاد فوردی-کینزی

فوردیسم مرحله خاصی از توسعه اقتصادی در قرن بیستم است و اصطلاحی است که به طور گسترده برای توصیف سیستم تولید انبوه که در اوایل قرن بیستم توسط شرکت فورد موتور پیشگام بود یا شیوه معمول رشد اقتصادی پس از جنگ و نظم سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن در سرمایه‌داری پیشرفته استفاده می‌شود (Jessop, 2011). در اوایل قرن بیستم، زندگی تحت فوردیسم تقریباً استاندارد شده بود. کارخانه‌ها ترجیح می‌دادند محصولاتی تولید کنند که سال به سال تغییر چندانی در اصول اولیه نداشتند، اگرچه ممکن بود سبک متفاوتی داشته باشند. شهر فوردیست شهری بود در حومه شهر، خانه‌های تولید انبوه ماشین‌محور که در آن خانواده‌های هسته‌ای مادر و پاپ ساکن بودند که کالاهای تبلیغ‌شده توسط تلویزیون را مصرف می‌کردند. طبقه متوسط آمریکا خود را مرفه، سفیدپوست و دگرجنس‌گرا می‌دید. ویژگی‌های سیستم فوردی-کینزی چنین است: بسط اصول مدیریت علمی به تولید انبوه، بیگانگی کار و کارگر، فناوری ثابت و ماشینی، تولید برای مصرف توده و نسبتاً ارزان، نیروی کار از هم متفرق، وظایف اندک، تشخیص اندک، اقتدار سلسله مراتبی، کنترل فنی (یوسفی، ۱۳۹۱).

### آمایش سرزمین و قطب‌های رشد فوردیسمی

قبل از اینکه آمایش سرزمین را درون فضای جریان‌ها بررسی کنیم، آمایش را درون یک ساختار فوردی-کینزی بررسی می‌کنیم. در حقیقت خروجی فوردی-کینزی در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ تا اواسط ۱۹۸۰ در آمایش فضا مناطق رشدی است که دولت سرمایه‌گذاری می‌کند؛ برای مثال، قطب‌های رشد کشاورزی، صنعتی، خدماتی، که هیچ کدام از آنها به اقتصاد شبکه جهانی متصل نبودند بلکه دولت‌ها در آنجا سرمایه‌گذاری کردند. در واقع دولت‌ها با درآمدهای خود اقدام به ایجاد این نوع کلان پروژه‌ها می‌کردند. سیاست‌های

آمایشی در نظام فوردیستی بر مبنای قطب‌های رشد برای تولید انبوه توسط شرکت‌ها و کارخانه‌های بزرگ و متمرکز شکل می‌گرفت. به گونه‌ای که همه بخش‌های تولید یک کالا در یک مکان احداث می‌شد. از جمله ویژگی‌های این دوره مدیریت دولتی کارخانه‌ها و تولید انبوه و تخصصی شدن نیروی کار و تولید برای کسب سود بود. در این دوره کالاها با نام کشورها شناخته می‌شدند و اقتصاد شکل دولتی داشت.

### پسافوردیسم

اصطلاح پسافوردیسم هم برای توصیف یک شکل نسبتاً بادوام از سازمان اقتصادی که اتفاقاً پس از فوردیسم ظهور کرد. این سازمان اقتصادی یا شکل جدید خود گرایش‌های بحرانی فوردیسم را برطرف می‌کند. در هیچ کدام از این موارد، این اصطلاح محتوای مثبت واقعی ندارد. به همین دلیل است که برخی نظریه‌پردازان جایگزین‌های اساسی مانند سرمایه‌داری اطلاعاتی، اقتصاد مبتنی بر دانش، و اقتصاد شبکه‌ای را پیشنهاد می‌کنند. دانشمندان علوم اجتماعی سه رویکرد اصلی را برای شناسایی رژیم پسافوردیستی اتخاذ کردند: ۱. تمرکز بر نقش تحول‌آفرین فناوری‌ها و شیوه‌های جدید در مورد تولید مادی و غیرمادی، به ویژه فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات و نقش آنها در تسهیل یک سیستم جدید و انعطاف‌پذیرتر اقتصاد جهانی شبکه‌ای؛ ۲. تمرکز بر بخش‌های اقتصادی پیشرو که امکان‌گذار از تولید صنعتی انبوه به تولید پسا صنعتی را فراهم می‌کند. ۳. تمرکز بر این که چگونه گرایش‌های بحرانی عمده فوردیسم از طریق تثبیت مجموعه‌ای جدید و باثبات از نهادها و اشکال حکومت‌داری اقتصادی و فرا اقتصادی که ظهور و تثبیت فرایندها، محصولات و بازارهای سودآور جدید را تسهیل می‌کنند، حل و فصل می‌شوند؛ با این حال، حتی چندین دهه پس از ظهور بحران فوردیسم در اواسط دهه ۱۹۷۰، بحث در مورد اینکه آیا نظم پایدار پسافوردیستی ظهور کرده است یا خیر و در واقع آیا ثبات فوردیستی یک پراتز در یک نظام سرمایه‌داری بی‌نظم و بحران‌زا بود یا خیر ادامه دارد. اقتصاد پسافوردیسم با ایجاد قطب‌های رشد، در اشکال اولیه منجر به ارتباط بین پهنه‌ها و مناطق جغرافیایی می‌شود و مناطق جغرافیایی پویا و مولد مانند مناطق آزاد و شهرها را به وجود می‌آورند که می‌توانند از طریق جذب سرمایه و جذب شرکت‌ها اقدام به ارتباط با اقتصاد شبکه‌ای کنند. البته این مناطق به خودی خود به اقتصاد جهانی پیوند نمی‌خورند بلکه پیوندهای اقتصادی که این مناطق را در شبکه‌ها به هم متصل می‌کند توسط بازیگران

اقتصادی خاص ایجاد می‌شود: از نظر تاریخی، بازرگانان کالاها را در سراسر شبکه تجارت می‌کنند. در کلی‌ترین سطح، عوامل تغییر اقتصادی، دارندگان سرمایه (در اشکال مختلف آن) هستند و این تصمیمات آنهاست که برای رشد یا رکود اقتصادی حیاتی است و منجر به اتصالات شبکه‌ای می‌شود. این مناطق به دلیل فرصت‌های گسترش سرمایه که در آنجا وجود دارد، سرمایه و شرکت‌ها را جذب می‌کنند. البته تمرکز بر شرکت‌هایی است که صادرات دارند، زیرا این شرکت‌ها نیاز به حضور مستقیم خریدار و مشتری دارد، بنابراین، فرایند صادرات در این مورد اغلب به معنای گسترش شبکه‌های اداری برای خدمات‌رسانی در بسیاری از نقاط است. از دهه ۱۹۸۰ بسیاری از شرکت‌ها اقدام ارائه خدمات خود در سراسر جهان کرده‌اند. این مناطق برای تولید به شرکت‌های دیگر نیاز دارند؛ بنابراین، شبکه‌ای از اقتصاد جهانی را هم در بخش تولید و هم در بخش عرضه به وجود آورده‌اند. در این اقتصاد شبکه‌ای صاحبان سرمایه بر اساس مزیت نسبی مناطق جغرافیایی اقدام به مکان‌گزینی برای شعبه‌های اصلی و فرعی خود می‌کنند. از این رو، جهان شبکه‌ای در بخش اقتصاد برخلاف بخش ارتباطات دولت‌ها به صورت سلسله‌مراتبی است و این ارتباطات از درجات اهمیت متنوع‌تری برخوردار هستند.

### قطب‌های رشد پسا‌فوردیستی و آمایش سرزمین

در اواسط دهه ۱۹۸۰ با توسعه فناوری‌ای تی و به وجود آمدن جهان شبکه‌ای، پسا‌فوردیسم شکل گرفت که در این شرایط تولید تکه‌پاره می‌شود و به وسیله‌ای تی به مناطق جغرافیایی مختلف می‌رود. بدین وسیله شبکه اقتصادی در مقیاس جهانی شکل می‌گیرد. از این رو، فضای جریان‌ها و جهان شبکه‌ای به وجود می‌آید. در این سیستم مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی و بنادر خشک به عنوان مکان‌هایی برای پیوند با اقتصاد جهانی در سیاست‌های آمایش سرزمینی در نظر گرفته می‌شوند که بعداً شهرها هم در دهه ۱۹۹۰ پهنه‌هایی از سرزمین خود را در اختیار شبکه‌ها قرار دادند. بنابراین، مناطق آزاد، مناطق ویژه اقتصادی و بنادر خشک از اشکال فضایی سیاست‌های آمایش سرزمینی در اقتصاد پسا‌فوردیستی برای اتصال به اقتصاد شبکه‌ای هستند. قطب‌های رشد در سیاست‌های آمایشی سیستم پسا‌فوردیستی که پس از بحران‌های دوره فوردیسم به وجود آمد، براساس شیوه تکه‌های تولید تغییر کرد و همچنین به دلیل پیشرفت فناوری تقسیم کار جهانی جدیدی به وجود آمد. در این شیوه تولید تکه‌پاره، یعنی بخش‌های مختلف کارخانه‌ها در کشورهای

متفاوتی مستقر شدند که از مزیت نسبی برای تولید آن کالا برخوردار بودند و سپس قطعات تولید شده در کشور دیگر بر روی خط تولید قرار می‌گرفت. اما قطب‌های رشد در سیاست‌های آمایش سرزمین و توسعه پساوردیسمی، که مبتنی بر کوچک‌سازی شرکت‌ها و تولید انعطاف‌پذیر است، فضاهایی مانند مناطق آزاد و پهنه‌های سرزمینی را در اختیار اقتصاد جهانی و شبکه‌ها قرار می‌دهند که این فضاها نقش اتصال با شبکه و قطب رشد را بازی می‌کند. این فرایندها از دو روش زیر انجام می‌گیرد:

۱. برون‌سپاری<sup>۱</sup>: شکلی از برون‌سپاری که رابطه‌ای تنگاتنگ و مهمی با جهانی شدن دارد، برون‌سپاری فرامرزی است که شامل ایجاد توافق با یک نهاد خارجی برای تهیه کالا یا خدمات برای تکمیل یا جایگزین کردن فعالیت‌های داخلی خود است. امروزه برون‌سپاری به موضوع بسیار مهمی در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است (Hirschheim and Dibbern, 2009: 3). از نگاه فریدمن بهترین شرکت‌ها، شرکت‌هایی هستند که برای برنده شدن، برون‌سپاری می‌کنند. این شرکت‌ها از طریق برون‌سپاری می‌توانند سریع‌تر و ارزان‌تر نوآوری و در نتیجه بیشتر رشد کنند و سهم بیشتری از بازار را به دست آورند؛ از طرف دیگر، بتوانند متخصصان بیشتر و متنوع‌تری را به خدمت بگیرند. برون‌سپاری که به معنای مذاکره در مورد یک عملیات تجاری یا یک فعالیت برای نهاد خارجی به شمار می‌آید، توانسته پدیده اقتصاد جهانی را تغییر دهد و سبب درک و رونق آن گردد. از جمله علل و عوامل برون‌سپاری که می‌توان به آنها اشاره کرد شامل: ۱. کاهش هزینه‌ها و مدیریت آنها، ۲. تسریع در نوآوری و ظهور خلاقیت در عرصه اقتصادی، ۳. کاهش خطر ورشکستگی، ۴. ارائه مزایای مالیاتی (Prachi, 2020)

۲. دورسپاری<sup>۲</sup>: دورسپاری شکل جدیدی از کارآفرینی و همکاری است که در نتیجه جهانی شدن به وجود آمده است. دورسپاری فرایندی است که کوچک‌ترها بتوانند به سان بزرگ‌ترها عمل کنند؛ به گونه‌ای که شرکت‌های کوچک‌تر می‌توانستند کارهایشان را با تدبیر بیشتر و طی یک برنامه بلندمدت از پیش تعیین شده به شرکت‌های بزرگ‌تر بفروشند، یا در آن شرکت میزبان تولید کنند و یا مواد اولیه خود را از آنجا تهیه کنند (فریدمن، ۱۳۹۳: ۱۹۰). در واقع این فرایند را می‌توان این‌گونه بیان کرد: کاری که شرکت‌ها اغلب برای بخش‌های بازاریابی خود دورسپاری کرده‌اند و برای بازاریابی دیگر

1. Outsourcing  
2. Dispatch

شرکت‌ها یا مشاوران برون‌سپاری می‌کنند (Brooks and Anunudu, 2016: 8). از جمله مزایای فرایند دورسپاری شامل: ۱. هزینه عملیات‌های تجاری را به حداقل می‌رساند؛ ۲. تمرکز بر تجارت اصلی: هنگامی که شرکت از خدمات غیر ضروری خود خارج است بیشتر روی کارکردهای اصلی خود تمرکز دارد؛ ۳. فرصتی برای شرکت‌ها برای دسترسی به نیروی کار ارزان و ماهر است؛ ۴. زمینه فرهنگی و جغرافیایی با شریک دورسپاری سبب دستیابی به دانش کافی در جهت ارائه خدمات بهتر به مشتری می‌گردد و در نتیجه کنترل بهتر را برای شرکت‌هایی که برون‌سپاری کرده‌اند فراهم می‌آورد (Prachi, 2019). بر این اساس، قطب‌های رشد از نوع جدید اقتصاد پساوردیسم مناطق آزاد به شمار می‌آیند که همچون گره شبکه‌ها در متن اقتصاد جهانی و در کانون برون‌سپاری و دورسپاری قرار گرفته‌اند. از جمله ویژگی‌های این دوره کاهش نقش دولت در اقتصاد، انعطاف در تولید، عدم نیاز به نیروی کار متمرکز، برندینگ یا شناخت کالا با نام شرکت‌ها، تولید برای افزایش ارزش سهام شرکت‌ها در بازار بورس، تکه پاره شدن کارخانه‌ها و در نتیجه، برون‌سپاری آن به نقاطی از جهان که صرفه‌جویی مقیاس در آن وجود داشته باشد. در دوره پساوردیسم این قطب‌های رشد بیشتر به صورت پهنه‌های جغرافیایی در اطراف مرزها به عنوان مناطق آزاد و اختصاص دادن پهنه‌هایی از مناطق شهری برای استقرار شرکت‌های جهانی به وجود آمدند.

### آمایش سرزمین و قطب‌های رشد در ایران

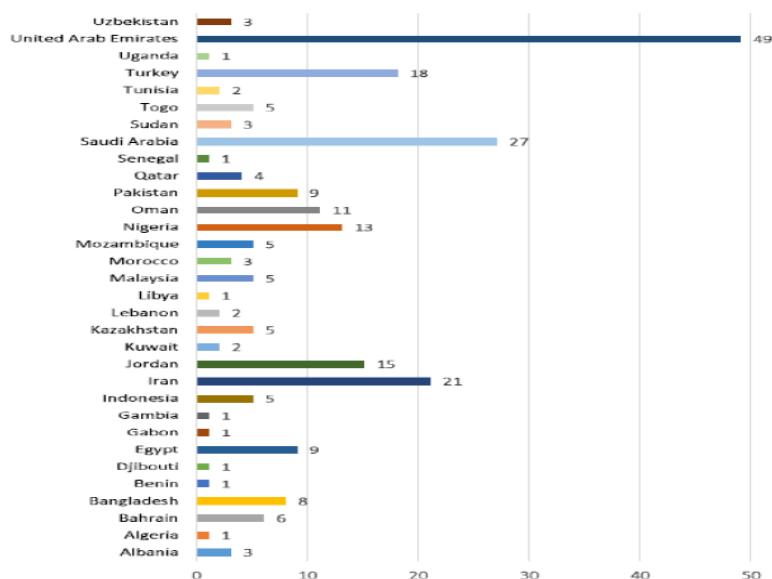
خروجی اقتصاد فوردی-کینزی در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ تا اواسط ۱۹۸۰ در آمایش فضای سرزمینی ایران، مناطق رشدی است که عموماً دولت سرمایه‌گذاری می‌کند. شامل قطب‌های رشد کشاورزی (کشت و صنعت دشت مغان و نی شکر هفت تپه)، صنعتی (قطب‌های رشد تبریز، اراک، اهواز، اصفهان) خدماتی (کیش و رامسر) که هیچ کدام از آنها به اقتصاد شبکه جهانی متصل نبودند، بلکه دولت‌ها در آنجا سرمایه‌گذاری کردند. دولت‌ها برای کسب مالیات اقدام به ایجاد این کلان‌پروژه‌ها می‌کردند. در واقع قطب‌های رشد در سیاست‌های آمایش سرزمینی ایران در شکل فوردیستی خود شامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، برای تولید شکر منطقه خاورمیانه و شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان برای تولید مواد لبنی ایران و منطقه قفقاز متجلی گشته است که به دلایلی خود این پروژه‌ها شکست خورده‌اند. این شرکت‌ها به صورت متمرکز و با دخالت دولت

در آن تأسیس شدند که هدف از آن تولید انبوه کالا و افزایش نفوذ اقتصادی در سطح منطقه بوده است. اما تاکنون به مناطق جغرافیایی به عنوان قطب‌های رشد پساوردیسمی به شکل جدی توجه نشده است و هنوز با نگاه فوردیستی به مدیریت در مناطق آزاد برخورد می‌شود. از همین روست که شاهد کاهش پیوند مناطق آزاد کشور با اقتصاد جهانی شبکه‌ای هستیم و بر آمایش برون‌نگرانه کشور تأثیر چشمگیری ندارند تا باعث تعادل بخشی سرزمینی در جمعیت و فعالیت کشور شوند. در واقع می‌توان گفت مناطق آزاد با برون‌نگری و تعریف مزیت و کد خود در جهان شبکه‌ای، باید بستر متحول‌کننده آمایش فضایی کشور به سمت تعادل سرزمینی باشند.

### مناطق آزاد در جهان و ایران

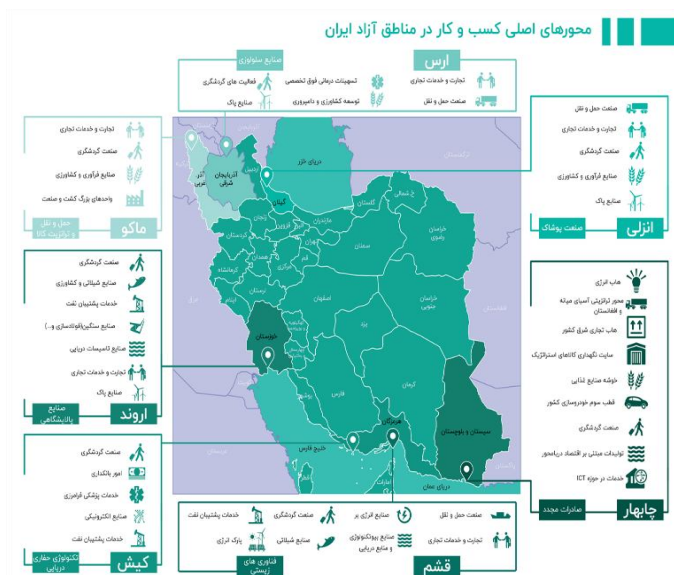
مناطق آزاد در دهه‌های گذشته از اهمیت زیادی در نظام اقتصاد بین‌الملل برخوردار شده‌اند. علل شکل‌گیری و رشد این مناطق در ضرورت‌های رشد و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد جهانی و گسترده شدن ابعاد بازارهای بین‌المللی ریشه دارد. اگرچه مناطق آزاد ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی، عموماً در نقاط سوق‌الجیشی قرار گرفته‌اند، اما جانمایی عملیاتی آنها دارای اشکالات متعددی است. عمده‌ترین اشکال فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم برای آنها و سیاست ایجاد زیرساخت‌ها از محل درآمدهای مناطق آزاد پس از افتتاح و شروع به کار، اتخاذ شده است؛ از طرف دیگر، مناطق آزاد از نظر جغرافیایی اکثراً در مناطق محروم کشور واقع شده‌اند. در مجموع مهم‌ترین فلسفه تأسیس مناطق آزاد در ایران در بدو تأسیس، توسعه منطقه‌ای در جهت تعادل فضایی بوده است؛ به همین دلیل، مناطق آزاد بعضاً در محروم‌ترین نقاط جغرافیایی کشور جانمایی شده‌اند که منظور از محرومیت نبود زیرساخت‌های لازم است مانند فقدان تأسیسات زیربنایی، زیرساختی و انرژی در منطقه، سطح بسیار پایین شاخص‌های زندگی، زیست‌محیطی و بهداشتی، فقدان نیروی تحصیل کرده و ماهر در منطقه، دوری از شهرهای بزرگ، اقتصاد محلی ضعیف و درون‌گرا و ظهور و بروز پدیده‌ای همچون قاچاق و ... در سال‌های اخیر در کشورهای کمتر توسعه یافته و مخصوصاً کشورهای آسیایی مانند چین، هند و کشورهای جنوبی حاشیه جنوبی خلیج فارس و به خصوص کشورهای جهان اسلام با رشد مناطق آزاد برای توسعه و رشد اقتصادی روبه‌روایم که به صورت نمودار در شکل ۹ آورده شده است که ایران با ۲۱ منطقه آزاد پس از امارات متحده عربی با ۴۹ و عربستان سعودی با ۲۷ منطقه در

جایگاه سوم قرار دارد. در این میان، سهم کشور ما نسبت به موقعیت جغرافیایی و مزیت سرزمینی آن می‌تواند خیلی بیش از این باشد.



شکل ۹ مناطق آزاد کشورهای اسلامی (فروغی‌فر، ۱۳۹۹: ۲۷۱)

سابقه رسمی ایران در راه‌اندازی مناطق آزاد به تشکیل دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد در سال ۱۳۷۱ و قانون «چگونگی تشکیل و اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران» برمی‌گردد. با توجه به این قانون، علاوه بر تولید و صادرات کالاهای صنعتی، اهداف دیگری مانند اشتغال سالم و مولد، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، حضور فعال در بازارهای جهانی و توسعه منطقه‌ای برای مناطق آزاد کشور در نظر گرفته شد. یادآوری می‌شود که با تشکیل شورای عالی مناطق آزاد، بخش بزرگی از مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی مناطق آزاد، در سال ۱۳۷۳ تهیه و به تصویب شورای عالی رسید. چنانچه در تصویر مشخص است، در حال حاضر ۷ منطقه آزاد تجاری-صنعتی کیش، قشم، چابهار، انزلی، ارس، اروند و ماکو به صورت فعال در کشور وجود دارد. مناطق ویژه معمولاً بر تولید یک کالای خاص تمرکز دارد در حالی که مناطق آزاد فازهای متفاوتی دارد و معمولاً در بخش‌های مرزی احداث می‌شوند.



شکل ۱۰ موقعیت مناطق آزاد کشور ایران (منبع: درگاه مناطق آزاد)

### کدهای ژئوپلیتیک سیاست نگاه به شرق

چنان که دیدیم، کدهای ژئوپلیتیک پیش فرض‌های ذهنی دولت‌ها هستند که در چهار محاسبه اقدام به ارزیابی دوست و دشمن می‌کنند و در محاسبه پنجم که به آن بازنمایی ژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک عامه‌پسند می‌گویند این دوست و دشمن را برای جامعه توجیه می‌کنند و سپس با راهبردهای متعددی مانند روابط اقتصادی، ارتباطات فرهنگی، سازمان‌های تجاری و ... اقدام به ارتباطات با دوستان می‌کنند. یکی از مناطق جغرافیایی که در ارتباطات با دوستان نقش آفرین می‌شود مناطق آزادند که در طرح‌های آمایش سرزمین با توجه به گفتمان‌های حاکم دولت‌ها دیده می‌شوند. نگاه به شرق رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی، جنوب شرقی و شمال شرقی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تعمیق مناسبات همگرایی با بازیگران حاضر در این مناطق است؛ به گونه‌ای که در راستای تأمین منافع و ارتقاء ضریب امنیت ملی کشور توجه خاصی به مجرای همکاری و ائتلاف با آنان - چه از طریق تعامل دوجانبه و چه از طریق همکاری‌های جمعی در چارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای نظیر آ. سه. آن، سارک، اکو، دی هشت و سازمان همکاری شانگهای می‌شود. مناطقی که مد نظر راهبرد نگاه به شرق هستند شامل شرق آسیا

(با بازیگران مهمی همچون چین، ژاپن و کره جنوبی)، جنوب آسیا (با بازیگران مهمی همچون هند و پاکستان) و جنوب شرقی آسیا (با بازیگران مهمی همچون مالزی) به علاوه روسیه می‌باشند. کشورهای این مناطق در کنار هم مجموعه تمدن شرقی را تشکیل داده‌اند که به زعم برخی تحلیلگران در حال بازخیزی و انسجام یابی هستند. البته ژاپن و کره جنوبی به دلیل مناسبات شدید با اقتصاد ایالات متحده آمریکا و انحلال کامل در فرهنگ غرب و سرمایه داری لیبرال، تا حد زیادی از دایره اطلاق نگاه به شرق بیرونند؛ با این حساب می‌توان خیمه راهبرد نگاه به شرق را بر روی چهار ستون روسیه، چین، هند و مالزی استوار دانست. روسیه، چین و هند هر کدام مهره‌های بزرگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و طی سال‌های اخیر روند قدرت‌گیری و ارتقاء جایگاه را با سرعت چشم‌گیری پیموده‌اند. اینان از ظرفیت‌های فوق‌العاده بالایی برای کمک به تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند (آدمی، ۱۳۸۹: ۸). با توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی در نظام جهانی که با محوریت چین صورت گرفته و تخصیص آمریکا و کشورهای غربی با ایران در طول این سال‌ها، توجه و نگاه ایران به شرق و همسایگان دیگر یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت است که ایجاب می‌نماید سیاست خارجی جمهوری اسلامی به کشورهای شرق روی بیاورد و در تعامل با آنها منافع ملی خود را دنبال کند. در این راستا، مقام معظم رهبری بر این ضرورت تأکید می‌کنند: «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است».

### سیاست همسایگی و پیوند با کشورهای اسلامی

ایران یک کشور استراتژیک در خاورمیانه است که دارای بیشترین تعداد همسایه با حوزه‌های ژئوپلیتیک گوناگون در پیرامون خود است. از آنجا که غرب را در سیاست خارجی خود به چالش می‌کشد غرب نیز درصدد دور کردن همسایگان از ایران است. بنابراین، ایران باید تلاش بیشتری را در این زمینه انجام دهد. لذا سیاست همسایگی را در پیش گرفته است. بنا به اراده و تأکید تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سیاست حسن همجواری با همسایگان همواره به عنوان یک اصل ثابت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است (نیکزاد، ۱۴۰۰). ایران می‌خواهد برای هر یک از کشورهای همسایه، روابط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی،

علمی، گردشگری دانشگاهی و محیط‌زیستی را در دراز مدت برنامه‌ریزی کند. هدف اساسی سیاست همسایگی رسیدن به فهم مشترک سیاسی و منافع مشترک برای صلح، امنیت پایدار و پیشرفت و رفاه ملت‌ها در مقابل انواع تهدیدهاست (صفوی، ۱۴۰۰). در این راستا و بر مبنای کدهای ژئوپلیتیک تعریف‌شده، کشورهای محور مقاومت عراق، سوریه، لبنان و یمن بیشترین چسبندگی را دارند و دوست هستند و رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آنها در کدهای ژئوپلیتیک به عنوان دشمن تعریف می‌شوند. در مجموع، از آنجا که بیشتر همسایه‌های ایران کشورهای مسلمان هستند و همچنین ایران در کنفرانس‌های اسلامی مشارکت دارد در ارتباط با سیاست همسایگی راهبردهای آمایش سرزمین در حوزه فراملی می‌تواند به سمت شرق با ایجاد ارتباطات بیشتر با کشورهای اسلامی و همچنین ایجاد بازارچه‌های مرزی با کشورهای همسایه رشد و توسعه منطقه‌ای را شکل دهد. در این میان، بهبود مناسبات سیاسی با کشورهای همسایه در راستای سیاست همسایگی می‌تواند باعث رشد و توسعه اقتصادی فضاهای مرزی به‌ویژه بازارچه‌ها را در چارچوب آمایش مناطق مرزی فراهم سازد.

### نتیجه‌گیری

سیاست‌های آمایش سرزمینی را می‌توان در دو قالب کلان اقتصادی به نام دوره فورديستی-کینزی و پسافورديستی تقسیم‌بندی کرد. در دوره‌های اقتصاد فورديستی-کینزی، قطب‌های رشد به صورت مجتمع‌های بزرگ و کلان‌پروژه‌ها در زمینه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، عموماً توسط دولت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شدند که قطب‌های رشد منطقه‌ای را در فضای سرزمینی شکل می‌داد و این قطب‌ها نتوانست با توسعه امکان تعادل را در فضای سرزمینی ایجاد نمایند و از پیامدهای آن ناعادلی منطقه‌ای در سیمای آمایشی کشور است که هنوز هم ادامه دارد. اما با تحولات صورت‌گرفته در فناوری ارتباطات و شکل‌گیری اقتصاد شبکه‌ای متشکل از تکه‌های تولید و کانون‌های رشد در بستر اقتصاد پسافورديستی شکل گرفت کانون اصلی اتصال به مکان، مناطق آزاد تجاری-صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، بنادر خشک و پهنه‌های شهری هستند شکل جدیدی از آمایش سرزمین در ارتباط با اتصال مکان‌های محلی درون کشور به فضاهای بیرونی و اقتصاد جهانی به نمایش می‌گذارند. هدف از این اتصال و ارتباط رشد و توسعه منطقه‌ای و شکل‌دهی به قطب‌های رشد نه از طریق سرمایه‌گذاری دولت بلکه از طریق شبکه‌ها و جریان‌های جهانی است.

بنابراین، نوع جدیدی از آمایش سرزمین مبتنی بر اتصال به شبکه‌های اقتصاد جهانی شکل می‌گیرد. در این وضعیت جدید، دولت‌ها فقط نقش حمایتی، ایجاد و تسهیل زیرساخت‌ها را بر عهده دارند. اتصال مناطق محلی برای ایفای نقش جهانی و ارتباط با فضای جریان‌ها و شبکه‌های اقتصادی مستلزم آن است که در سطح کلان از میزان امر سیاسی کاسته شود و کدهای ژئوپلیتیک به سوی گشودگی بیشتر و دیپلماسی فعال با توجه به شرایط جدید کشور در نگاه به شرق و همسایگان بازتعریف شود. زیرا با کاهش امر سیاسی و گشودگی دیپلماسی دسترسی و ارتباط با اقتصاد شبکه‌ای بیشتر می‌شود و در نتیجه می‌تواند در سیاست‌های آمایشی نقش اساسی ایفا نماید. فضاهای محلی بر اساس ظرفیت‌ها می‌توانند به اقتصاد جهانی پیوند یابند و جهانی‌محلی شدن را به وجود آورند؛ در این راستا، کد ژئوپلیتیکی ایران با سیاست نگاه به شرق و همسایگی با ایجاد پیوندهای اقتصادی با ظرفیت‌های ژئواکونومیک این کشورها، اتصال مناطق آزاد ایران با این کشورها را تعریف کند و تحولی در سیاست‌های آمایش سرزمین کشور در جهت تعادل فضایی ایجاد نماید و در جهت زدودن ناتعادلی منطقه‌ای ناشی از مانده از رویکرد فوردیستی در کشور ایران گام بردارد.

## منابع

- آدمی، علی. (۱۳۸۹). «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی.
- حاتمی‌نژاد، حسین و ابراهیم عمو. (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی و ارزیابی طرح‌های آمایش سرزمین در کشور ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۴۳.
- خنیفر، حسین. (۱۳۸۹). «درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربرد آن در ایران»، مجله آمایش سرزمین، ۵-۲۶.
- عرب، حسین. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر مبانی نظری کدهای ژئوپلیتیکی»، خراسان بزرگ، سال پنجم، شماره ۱۴.
- عندلیب، علیرضا، شریف، مطوف. (۱۳۸۸). «توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران»، مجله باغ نظر، شماره ۱۲، ۵۷-۷۶.
- فریدمن، توماس ال. (۱۳۹۳). جهان مسطح است: تاریخ فشرده قرن بیست و یکم، ترجمه احمد عزیزی، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
- قادری حاجت، مصطفی و عابد گل‌کرمی. (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل نگرش ژئوپلیتیکی اسناد بالادستی آمایش سرزمین ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال شانزدهم شماره دوم.
- قورچی، مرتضی. (۱۳۹۵). نوشتارهایی در باب جهانی شدن؛ شهرهای جهانی و نقش فراملی شهرها، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- قورچی، مرتضی، امانی، محمد (۱۳۸۸). دیپلماسی شهری در فرایند جهانی شدن، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تهران، دانش شهر (شماره ۷).
- قورچی، مرتضی، راستاد بروجنی، مرضیه. (۱۴۰۰). نقش شهر بنگلور در توسعه اقتصادی هندوستان، دانشگاه تربیت مدرس.
- مفیدی، مهرناوش. (۱۳۸۹). «آمایش سرزمین در اتریش با نگاهی به کنفرانس برنامه‌ریزی فضایی»، مجله آمایش سرزمین، شماره ۳، ۷۳-۹۹.
- وحیدی، پریدخت. (۱۳۷۳). «آمایش سرزمین راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوم، ۷-۸.
- Abu-Lughod JL. (1991). Before European hegemony: the world system a.D. 1250–1350. Oxford University Press, Oxford
- Abu-Lughod, Janet. 1987 Before European Hegemony: The World System A.D. 1250-1350
- Bost F. (2011). Are economic free zones good for Development? OECD West African Challenges 4:4–20
- Dicken, P. 2005. Global Shift. London: Chapman.
- Dijkink, Gertjan. (1998). “Geopolitical Codes And Popular Representations”, Geojournal, no 46: 293-299
- Gaddis, j.i., strategies of containment, new York: u.p., 1989
- <https://jshippingandtrade.springeropen.com/articles/10.1186/s41072-017-0026-6>

- <https://theinvestorsbook.com/offshoring.html>.
- <https://theinvestorsbook.com/outsourcing.html#BenefitsofOutsourcing>.
- <https://www.britannica.com/topic/Fordism>
- <https://www.freezones.ir/>
- <https://www.khabaronline.ir/news/1596089/>
- <https://www.mehrnews.com/news/5407502/>
- [https://www.wcoomd.org/-/media/wco/public/global/pdf/topics/research/research-paper-series/47\\_free\\_zones\\_customs\\_involvement\\_omi\\_en.pdf](https://www.wcoomd.org/-/media/wco/public/global/pdf/topics/research/research-paper-series/47_free_zones_customs_involvement_omi_en.pdf)
- Morteza Ghourchi sepideh mosaviyan. (2021). The Role of Hollywood Cinema in Geopolitical Representation of the Middle East 2021.
- Pascal, venier. (2004). "The diplomatic context: britain and international relations around", available at: <http://pascal.venier.free.fr/venier>
- Prachi, M. (2019). Offshoring. Retrieved november 7, 2019 from
- Prachi, M. (2020). Outsourcing. Retrieved April 24, 2020 from
- Taylor ,peter&flint,colin.(2000). polotical geography.london:person education limited.
- Taylor ,peter.(1994). Polotical geography england .longman sceientific&technical.
- Peter,Taylor (1997). AtV3Tjmi4YmpJFX9aSsFAv6GWMsz2yyPua4aJPhTE3pR
- Peter,Taylor (2004). York New outledgeR ,nalysisA rbanU Global A ,Network City orldw .